

## پیامدهای قراردادسن پترزبورگ در ایران

### حجت عبداللهی

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران [abdolahihajat1980@gmail.com](mailto:abdolahihajat1980@gmail.com)

### معصومه قره داغی (نویسنده مسئول)

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران [Masomehgaradagi90@gmail.com](mailto:Masomehgaradagi90@gmail.com)

### منوچهر صمدی وند

گروه معارف، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران [samadivand@yahoo.com](mailto:samadivand@yahoo.com)

### نازلی اسکندری نژاد

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران [nazli.eskandarinejad@yahoo.com](mailto:nazli.eskandarinejad@yahoo.com)

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۰۲۷۱-۰۲۰۸) - سال ۱۶ شماره ۶۳ - صفحه ۲۸۹-۲۵۵

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۲/۳

### چکیده

کشور ایران نقطه سیاست همگرایی روس و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی محسوب می شد. به سبب اهمیت استراتژیکی و موقعیت کریدوری که چهارراه تلافی ابرقدرت ها و دولت حائل نقش ضربه گیر برخورد ابرقدرت هاو مسأله هند و نیز بحران افغانستان در شرق و جنگ های قفقاز در شمال غرب، فشارها و تهدیدات سیاسی، امنیتی و اقتصادی خارجی از چهار جهت روسیه از سوی شمال، هند بریتانیا و افغانستان از سوی شرق، عثمانی ها از سوی غرب و بریتانیا از سوی جنوب در خلیج فارس بر دولت های قاجاریه وارد می شد. انگلستان و روسیه همواره به دنبال تجزیه ایران بودند زیرا ایران بزرگ در منطقه ای که بر شاهراه حیاتی جهان تسلط دارد بنیان یافته است. در قرار داد ۳۱ اوت ۱۹۰۷ \ ۸ شهریور ۱۲۸۶ ش که با روسیه تزاری منعقد کرد ایران را به سه منطقه تحت نفوذ خود و روسیه و بی طرف تقسیم و ایران را کاملاً تحت الحمایه خود نمود. هرچند که بر تمامیت ارضی ایران و استقلال و نظم و پیشرفت کشور تاکید شده بود. روش این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی می باشد که پس از توصیف مطالب به تجزیه و تحلیل داده ها اقدام خواهیم کرد. نتایج و یافته های این تحقیق نشان می دهد که اگر جنگ جهانی اول و انقلاب اکتبر روسیه اتفاق نمی افتاد استقلال سیاسی و اقتصادی ایران از بین می رفت با وجود خودداری مجلس از تصویب این قرارداد مواد آن عملاً اجرا و در زمان جنگ جهانی اول نیز به بهانه جنگ با عثمانی، مناطقی از ایران مدتی به اشغال روسیه و انگلیس درآمد. روس ها تا زمان انقلاب اکتبر بر حفظ منافع خود از این قرارداد اصرار داشتند و دو کشور استعماری سیاست خارجی خود را بر اساس این قرارداد تنظیم کرده و همکاری نزدیکی در قبال مشروطه هدایت شده در ایران انجام دادند پس از انقلاب اکتبر، در ۲۷ دی ۱۲۹۶ ش \ ۱۹۱۸ م این قرارداد لغو شد.

**کلیدواژگان:** کشور ایران، قرارداد سن پترزبورگ، ۱۹۰۷، روسیه، انگلستان

#### مقدمه

موقعیت جغرافیایی هر کشور با سیاست خارجی آن پیوند خورده است. ارتباط بین موقعیت جغرافیایی و سیاست خارجی بقدری اهمیت داشته که به صورت یک موضوع مهم در مطالعات ژئوپلیتیکی درآمده است. موقعیت جغرافیایی با آب و هوا نیز پیوند نزدیکی دارد، بطوریکه بر قدرت ملی یک کشور نیز تاثیر می گذارد. ایران در قرن نوزدهم میلادی نه تنها از لحاظ سیاسی و استراتژیک، که، از لحاظ تجاری و اقتصادی برای بریتانیا و روسیه اهمیت وافری داشت. مهمترین مشکل بریتانیا در ایران دوره قاجار، همسایه شمالی این کشور، روسیه بود. این مشکل در موافقتنامه ۱۹۰۷ دو کشور به طور موقت حل شد بدین صورت که روسیه و انگلستان حوزه‌های نفوذ خود را در ایران تقسیم کردند. مناطق شمالی تحت کنترل روسیه و مناطق جنوبی تحت کنترل انگلیس درآمدتا وقوع جنگ جهانی اول، منفعت اصلی بریتانیا در ایران، "امنیت استراتژیک" بود. بریتانیا، ایران و در واقع خاورمیانه را بخشی از شاهراه امپراتوری خود می دانست. انگلیسی‌ها تلاش می کردند تمام راههای ممکن منتهی به شبه‌قاره هند را کنترل کرده و از نفوذ سایر قدرت‌ها جلوگیری کنند. کشور ما به علت قرار گرفتن در کنار تنگه ها و آبراهه های مهم بین المللی و در موقعیت دسترسی به منابع خاص و کمیاب ( نفت و گاز و...) از اهمیت زیادی برخوردار است. ایران از طرف شمال در دریای خزر و از طرف جنوب در خلیج فارس و دریای عمان دارای سواحل طولانی است.

#### موقعیت ایران قبل از قرارداد سن پترزبورگ

ایران محل تلاقی موقعیت بری و بحری بوده و همواره این کشور در نظریات ژئوپلیتیک و استراتژی های نظامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در نقشه ژئوپلیتیکی مکیندر در سال ۱۹۰۴م\۲۸۳ش حاشیه جنوب دریای خزر ناحیه ترکمن صحرا تا بخش شمالی خراسان و در غرب دریای خزر نیز حاشیه کوچکی از استان گیلان، حوالی رشت تا بندر انزلی و آستارا درون هارتلند قرار می گرفت و بقیه کشور در هلال داخلی یا حاشیه ای قرار گرفته بود. در نظریه اسپایکمن هم ایران در سرزمین حاشیه ای نظریه او بود. در دکترین ترومن ایران به منزله کمربند محاصره نیم دایره کمونیسیم توسط کشورهای غیر کمونیسیم بود: (شوازی، ۱۳۸۷: ۷۱) قدرت های بزرگ جهانی نقش مهم و مؤثری در تعیین و ترسیم مرزهای بین المللی در بیشتر مناطق جهان داشته اند. اولین تأثیر قدرت های بزرگ در تعیین و ترسیم مرزها به دوره استعمار بر می گردد. در طول نظام سلطه جهانی امپراتوری های اروپایی، اروپا فضای انسانی متمدن را شکل می داد و بقیه مناطق سطح زمین بویژه در آفریقا و بخش هایی از آسیا به عنوان یک منطقه سرحدی بسیار وسیع محسوب می شدند که توسط این قدرت ها تصرف و برای منافع اروپاییان متمدن می شدند در اواخر سده بیستم میلادی، دولت آلمان در صدد برآمد برای نفوذ در خاورمیانه پایگاهی در خلیج فارس ایجاد کند و در منطقه ای که انگلیس سال ها در آن بدون رقیب فعالیت سیاسی و اقتصادی انجام می داد، جایگاه مناسبی بیابد. در سال 1896 م\۱۲۷۵ش شرکت ونک هاوس نمایندگی هایی در بنادر جنوبی ایران، از جمله در بندر لنگه تأسیس کرد و به تجارت صدف و مروارید پرداخت. سال بعد، کنسولگری آلمان در امپراتور آلمان طی سفری رسمی به بوشهر افتتاح شد و در سال ۱۸۹۸ م\۱۲۷۷ش ویلهلم دوم، استانبول رفت و مورد استقبال سلطان عبدالحمید دوم، امپراطور عثمانی قرار گرفت. در نتیجه این سفر بود که ویلهلم دوم خود را حامی مسلمانان جهان اعلام کرد و در سال ۱۹۰۶ م. در مسیر دریایی هامبورگ به امریکا

رفت و آمد کشتی های بخار میان خلیج فارس، اروپا و امریکا شروع به فعالیت نمود. (ناظم، ۱۳۸۰: ۵۵) "سرمایه آلمانی و افراد آلمانی وارد عثمانی" شدند و زمینه احداث خط آهن از برلن به بغداد فراهم شد. (پالمر، ۱۳۴۰: ۲۸۹) در این سوی نیز بازرگانان، صنعتگران و جهانگردان آلمانی به ایران آمدند. پزشکان، شیمی دانان، پرستاران آلمان و ی برخی افراد وابسته به ارتش آلمان در بیمارستان دولتی ایران استخدام شدند و دانشکده ای آلمانی در ایران گشایش یافت. (ناظم، ۱۳۸۰: ۵۵) افزایش فعالیت و به تبع آن، نفوذ آلمان در عثمانی و ایران، روسیه و به ویژه انگلیس را به هراس انداخت. به خصوص هنگامی که تبعه ای آلمانی به تأسیس بانک در سفر پیشین آلمان در ایران مبادرت ورزید و مهمتر از همه، استیمرج، معاونت وزارت امور خارجه در برلن منصوب شد. اضطراب دولت روسیه از فعالیت های نفوذی آلمان در خاورمیانه و از جمله ایران در گفتگوی شکایت آمیز ایزولسکی، وزیر سفیر فرانسه در سن پترزبورگ به خوبی دیده می شود. امور خارجه روسیه با بومپارد، (ترک چی، ۱۳۸۸: ۳۷۴-۳۷۳) مهمترین بخش نفوذ آلمان در منطقه خاورمیانه به دست آوردن امتیاز تأسیس راه آهن برلن - استانبول - بغداد بود. نفوذی که تا قبل از ۱۹۱۴م. برای آلمان محقق نشد. (پالمر، ۱۳۴۰: ۲۸۹) سرحد مفهومی کهن و مرز مفهومی نوین است. پیدایش مفهوم آن به شکل امروزی به زمانی بر می گردد که حکومت ها مطابق معاهده صلح وستفاليا ۱۶۴۸م/۱۰۲۷ش بنا بر خواست ملت ها به وجود آمدند و بدین ترتیب منطقه سرحدی که محدوده بسیار وسیعی را دربر می گرفت جای خود را به خط مرزی داد که بسیار کم عرض تر و مشخص تر از منطقه سرحدی بود. مرزها خطوطی هستند که حد خارجی قلمرو تحت حاکمیت یک حکومت ملت پایه را مشخص می کنند. مرزهای سیاسی مهمترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد سیاسی از واحدهای دیگر است و خطوط مرزی، خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد

سیاسی روی زمین می شوند. مرزهای کنونی بسیاری از کشورهای زیر سلطه، استعماری یا تحمیلی هستند، خطوط مرزی که بدون توجه به مردم آن ناحیه و فقط نتیجه سیاست های بین المللی هستند و تا حدود کشور را مشخص می کنند. بدین ترتیب مردمی که از یک نژاد یا یک زبان و فرهنگ مشترک هستند و سالها با هم زندگی کرده اند با عبور خط مرزی به دو دسته تقسیم می شوند و هر یک تحت لوای حکومت جداگانه به سر می برند. (همان، ۴۲) مرزهای استعماری مرزهایی هستند که کشورهای استعمارگر در مناطق استعمار شده خودشان بر اساس سلاقی و علایق منافع خود و بدون در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی محیط از نظر طبیعی و انسانی به وجود آورده اند. ترسیم این مرزها پایه منطقی ندارند و عملاً مشکل زا هستند و باعث درگیری مرزی بین دو کشور دارنده می شوند. یکی دیگر از عرصه های رقابت های امپریالیستی اروپاییها طی قرن نوزدهم و بیستم، منطقه خاورمیانه بود که به علت داشتن امتیازات اقتصادی و استراتژیکی و در دسترس بودن مورد توجه این قدرتها قرار گرفته بود. بر اساس آمارهای ارائه شده فقط حدود یکسوم از مجموع ۳۴ هزار کیلومتر مرز خشکی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در اثر توافق بین دولت ها به وجود آمده اند. (احمدی، ۱۳۹۲: ۲۲)

### نقش انگلیس در قرارداد ۱۹۰۷م

خلیج فارس همواره جزو منافع غیرقابل گذشت و مورد توجه انگلیس به شمار می آمد و در این هنگام از دو جهت برای آن احساس خطر می کرد. روسیه و آلمان. روسیه به منظور ایجاد بندری در خلیج فارس در تلاش بود که از مشهد به سیستان و از آنجا، از راه بلوچستان و به وسیله راه آهن به خلیج فارس برسد. این موضوع از اسناد موجود در آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه روشن می شود. لرد کرزن با اشاره به اهمیت خلیج فارس در سیاست های راهبردی دولت لندن، می نویسد:

ایران سرزمینی است که خواه و ناخواه از سرنوشت امپراتوری انگلیس در شرق تأثیر خواهد داشت، بی‌اعتنایی در کار ایران یعنی از دست دادن تجارتی که هم‌اکنون مایه ارتزاق هزاران نفر از هم‌وطنان ما و افراد هندی است. توجه دوستانه در کار ایران، نتیجه‌اش تهیه کار بیشتر برای کشتی‌ها و کارگران دستگاه‌های بافندگی انگلستان است. موقعیت جغرافیای ایران یا دامنه منافع ما در آن کشور و امنیت آینده امپراتوری خاوری ما در حال حاضر مانند هر زمان دیگری طی پنجاه سال اخیر این را برای ما غیرممکن می‌سازد که از آنچه در ایران رخ می‌دهد، سلب علاقه کنیم. این میراث مشروع گذشته است که از هر جمعیت ما را دلیل سرافرازی است. توقعی که انگلستان دارد این است که در ازای مال و جانی که نثار نموده و امنیتی که فراهم ساخته و حافظ آن است، هیچ عامل سیاسی بیگانه حق مداخله‌ای را در این صحنه (خلیج فارس) نداشته باشد. (کرزن، ۱۳۵۰: ۴۷۳) کشورهای ایران که پیش از ۱۳۱۳ \ نوامبر ۱۹۳۴ با نام فارس شناخته می‌شد، عراق، سوریه، عربستان و فلسطین در این منطقه قرار داشتند. در توافقنامه مخفی 1294 ش \ ماه مارس ۱۹۱۵، انگلستان، روسیه و فرانسه بر سر تقسیم امپراطوری عثمانی و ایران به تفاهم رسیده و خاور نزدیک را میان متحدین تقسیم کردند. در قراردادی جداگانه میان انگلستان و روسیه، آن تقسیم‌بندی که روسیه و انگلستان در سال ۱۲۸۶ ش \ ۱۹۰۷ با یکدیگر بر سر آن به تفاهم رسیده بودند تغییر کرد و مناطق نفتی که به تازگی کشف شده بود ضمیمه قلمرو انگلستان شد. (مجد، ۱۳۸۷: ۱۹) انگلستان، حاکمیت روسیه را بر استانبول و تنگه داردانل پذیرفت. پس از این قرارداد و به دنبال پیروزی نیروهای انگلستان در جنوب عراق در ۱۲۹۴ ش \ آوریل ۱۹۱۵، انگلستان سهم خود از ایران را به تصرف درآورد. روسیه نیز نیمه شمالی ایران را که در قرارداد ۱۹۱۵ به او اختصاص یافته بود، اشغال کرد. در مارس ۱۹۱۶، تقسیم دو فاکتوی ایران میان روسیه و انگلستان کامل شده بود. توافق سایکس پیکو در ماه مه ۱۹۱۶ \ ۱۲۹۵ ش تقسیم فلسطین

و سوریه بزرگ را میان انگلستان و فرانسه به انجام رساند. پس از انقلاب بلشویکی و خروج روسیه از ایران، انگلستان به دنبال فتح عراق، نیمه شمالی ایران را نیز تصرف کرد. بریتانیا برای حفاظت از بزرگ‌ترین مستعمره اش سیاست‌های مختلفی را برای هر کدام از مناطقی که از نظر آنها امکان داشت شبه جزیره هندوستان از طریق آن با چالش روبه‌رو شود تدوین و به اجرا گذاشت که موارد زیر از جمله آنها است. سیاست جلب و دوستی و همکاری با ایران و برخی حکومت‌های محلی رویارویی مسلحانه و جنگ با ایران ماجرای هرات، روی کار آوردن مهره‌های دست‌نشانده در مناطق هم‌جوار با هندوستان (روی کار آوردن شاه شجاع در افغانستان) ایجاد و حمایت از شورش‌ها و حرکات تجزیه‌طلبانه حمایت از سرکشی آفاخان در جنوب شرق ایران) ایجاد کشور حائل بین هندوستان و روسیه و ایران (ایجاد افغانستان) تقسیم مناطق تاریخی ایران و تحمیل حکمیت‌های مرزی بر ایران (حکمیت گلداسمید) (میرحیدر وراستی، ۱۳۹۱) و مجاورت با ایران موجب شد بررسی کرزن از اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران با توجه به مشاهدات پیشین وی سفر او به ایران در ۱۸۸۹م دقیق‌تر و در نتیجه تحلیل‌های وی به واقعیت نزدیکتر باشد. دیدگاه لرد کرزن در مورد کشور ایران

هند بزرگ‌ترین دغدغه کرزن بود که برای حفظ آن تمام هوش و حواس خود را متمرکز ساخته بود. ایران نیز که در مجاورت هند قرار داشت دقیقاً به همین علت مورد توجه کرزن قرار داشت. از نظر کرزن ایران سپر بلای هند بود و تمام نظریاتی که کرزن در کتاب خود «ایران و قضیه ایران» در مورد ایران ارائه می‌دهد از قبیل تلاش برای اصلاح امور آن، بیم از فروپاشی آن، احداث خط‌آهن در ایران و... به نوعی منعکس‌کننده تفکر کرزن مبنی بر تلاش همه‌جانبه برای دور نگه داشتن هند و راه‌های وصول به آن از تهدید روسیه یا هر قدرت دیگری می‌باشد. (کرزن، ۲: ۱۳۵۰/۱۲۳) کرزن ایران را بنای فاسد

پوسیده‌ای می‌دانست که روزگاری دراز بود بر لبه پرتگاه نابودی قرار داشت و اگر سقوط می‌کرد روسیه آن را یک جا می‌بلعید و مصالح حیاتی امپراتوری بریتانیا در معرض خطر جدی قرار می‌گرفت. تمایلات امپریالیستی کرزن منجر به ایجاد دلبستگی شدید به هند، بزرگ‌ترین مستعمره انگلیسی در وی شده بود و او مصمم بود به هر طریق آن را حفظ کند و تهدیدات متوجه آن را برطرف نماید. وی روسیه را بزرگ‌ترین تهدید برای آن می‌دانست گرچه معتقد بود روسیه سیاست «دست به دهان» (یعنی فارغ از مآل‌اندیشی) را دنبال می‌کند یعنی بدون هدف معینی و رویارویی با هر پیشامد به منظور ایجاد یک تهدید دائمی بوده است تا از این راه بتواند نقش یک سکه باارزش را در سایر مناطق جهان بازی کند. با توجه به پیشروی روس‌ها در آسیای میانه و در ایران، خصوصاً که در اواخر قرن نوزدهم در ایران دارای نفوذ گسترده‌ای شده بودند، کرزن سخت نگران بود. چرا که به عقیده وی روس‌ها قدم‌هایی را که به جلو برمی‌دارند به عقب مراجعت نمی‌کنند و سیاست آنها رفتن به جلو است. کرزن در گزارشی که در زمان معاونت وزارت امور خارجه انگلیس ۱۸۹۸-۱۸۹۵م تهیه نمود، چنین اظهار نظر می‌کند: نظر دولت پادشاهی انگلستان به خطا می‌رود، ما در ایران منافع سیاسی و سوق‌الجیشی و تجارتي داریم. مسئله ایران مسئله امپریالیزم بریتانیای کبیر است، انگلستان برای دفاع از آن باید تمام قوای خود را به کار برد... دولت انگلیس نه تنها به دولت روس بلکه به هیچ دولت اروپایی اجازه نخواهد داد نواحی شمالی و مرکزی ایران را لگدمال نموده خود را به خلیج فارس برساند و بخواهد تسهیلاتی برای بحریمایی خود در خلیج فارس قائل شود ولو آنکه هیچ نظر استعماری نداشته باشد. از نظر کرزن شمال ایران از دست رفته بود و انگلیس باید قوای خود را صرف حفظ جنوب نماید چرا که روسیه در ایران سیاستی خصمانه و هدف تجاوز دارد. (همان) ازدیدگاه کرزن ایرانیان مردمی ناتوان و نالایق می‌باشند که بر سیطره روسیه بر مقدرات خود واقفند و همین وقوف موجب ترس آنان شده و بدون آن که به تلاش برای بهبود



اوضاع خود برخیزند، منتظر وقوع فاجعه‌ای اجتناب‌ناپذیر از سوی همسایه شمالی خود می‌باشند. ضمیمه ایران به خاک روسیه از این رو انگلیس باید به فکر حفظ منافع خود در جنوب علیه تجاوز روسیه باشد. ایران بازار مناسبی برای کالاهای انگلیسی می‌باشد و با رقابت شدید تجارتهای که در سراسر جهان وجود دارد از دست دادن هر بازار شکستی غیرقابل جبران و پیدا کردن بازار جدید افزایش تازه‌ای بر نیروی ملی است. بی‌اعتنایی در کار ایران یعنی از دست دادن تجارتهای که هم‌اکنون مایه ارتزاق هزاران نفر از هموطنان انگلیسی و افراد هندی است و توجه به ایران نتیجه‌اش تهیه کار برای کشتی‌ها و کارگران دستگاه‌های بافندگی انگلستان است. روسیه ایران را وجودی محتضر تلقی می‌کند، اگر چه گاهی او را مورد نوازش و تحبیب قرار می‌دهد ولی مآلاً و بی‌چون و چرا طالب بقای وی نیست. روسیه تجزیه ایران را در آینده به همان نحو و روالی مقدور می‌پندارد که سرنوشت لهستان نشان داده است و از قرار معلوم، عزم خویش را جزم کرده است که در صورت تجزیه قسمت کلان و مغتنم ایران را به دست آورد. با جرأت تمام می‌توان اعلام کرد که هیچ سیاستمدار روسی یا افسر ستاد ارتش تزاری قادر به تسلیم گزارشی درباره سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران و آینده آن کشور نیست مگر آن که وعده یا اشاره‌ای مربوط به الحاق ایالات آذربایجان، گیلان، مازندران و خراسان یا به عبارت دیگر تمام نواحی شمال ایران از شرق تا غرب را در شرح خود درج کرده باشد اینجانب شکی ندارم که اقدامات ضروری در صورت پیشامد جنگ یا اختلاف امور و یا حسن تصادف مطلوب همه مورد مذاکره و تصویب قرار گرفته است. (همان) کرزن می‌خواهد برتری روسیه در شمال با برتری انگلیس در جنوب متوازن و متعادل باشد. او معتقد است باید خطی فرضی از یک طرف تا سمت دیگر ایران کشید که از سیستان در شرق از طریق کرمان، یزد و اصفهان به جانب غربی، از بروجرد، همدان و کرمانشاه عبور کند و در جنوب این خط هرگونه اعمال نفوذ خصومت‌آمیز سیاسی غیرقابل قبول اعلام شود. سیاست انگلیس در

ایران در هیچ زمانی مبنی بر آز و کشورگشایی نبوده است و انگلستان حتی به یک وجب از خاک ایران چشم طمع ندارد..مسئله خلیج فارس نیز از نظر کرزن اهمیت بسیار داشته است. وی در کتاب خود در مورد ایران اشاره می کند انگلیس با هزینه های جانی و مالی امنیت را در خلیج فارس برقرار ساخته است و واگذاری بندری روسی در این منطقه موجب فتنه انگیزی خواهد شد، علاوه بر آن از آنجا که با صرف خون ها و مال ها نظم و امنیت را ایجاد نموده است این حق را دارد که به هیچ عامل سیاسی بیگانه ای حق مداخله در این منطقه را ندهد و تخطی از این اصل اساسی خیانت به وطن محسوب می شود. کرزن طرح تقسیم ایران را در سال ۱۸۹۹م به دولت متبوع خود ارائه داد. وی در نامه مورخ سپتامبر ۱۸۹۹م خود به وزیر امور هندوستان نظرات حکومت هند و عقیده شخصی خود را درباره مسئله ایران بیان نمود و اظهار نمود برای مسئله ایران در مقابل انگلیس سه راه حل موجود است.(همان، ۱۲۶/۲) کرزن خود بعضی اشکالات و معایب راه حلی را که توصیه کرده بود برشمرده است. از جمله آن که سیستان که عملاً از نظر اداری جزء ایالت خراسان محسوب می شد می بایست در منطقه نفوذ انگلیسی ها قرار گیرد. دیگر آنکه روسیه با در دست داشتن کنترل تهران، تبریز و مشهد تسلط و نفوذ خود را در سراسر کشور گسترش می داد.

مشکل دورتر، موضوع بازگشت احتمالی روسیه برای تعرض از یک راه غیرمستقیم یعنی از طریق بین النهرین و بغداد بود. علاوه بر آن امکان داشت از طرف سایر قدرت ها مثل فرانسه و آلمان تهدیدی به عمل آید و گرچه خطر آنها در این مورد به خصوص، کمتر از روسیه بود، بعید نبود که در آتیه بیشتر باعث مزاحمت انگلستان شود و بالاخره باز این خطر وجود داشت که روسیه به هیچ عنوان به روابط و مناسباتی از این قبیل روی خوش نشان ندهد، کرزن پاسخ می دهد با وجود این، آزمایشی در این زمینه خالی از ارزش نخواهد بود. نزدیکی سیستان به مرزهای بلوچستان، موجب اهمیت آن از لحاظ تأمین منافع بریتانیا

می‌شود.

اهمیت اقتصادی سیستان که اگر منابع آن با وسایل علمی آبیاری و به وسیله خط‌آهن حمایت شود، شاید تبدیل به بهترین کانون قدرت اقتصادی انگلیس در سراسر ایران مرکزی و جنوبی شود و حتی راز تفوق روس را در خراسان و شمال نیز در هم می‌شکند. کرزن زمانی که به نیابت سلطنت هندوستان رسید، بنا به کشیدن راه‌آهنی از کویته تا نوشکی و از آنجا به ساختن راهی تا مرز ایران نمود. در این نقاط ادارات پست و تلگراف گشایش یافت و پست‌های نگهداری نظامی برای حفظ ارتباطات بازرگانی تأسیس شد. روسیه از پیش در مناطقی که مشخص شده بود عملاً صاحب نفوذ بود و چیز جدیدی عایدش نشده بود در حالی که می‌توانست نفوذ خود را به سمت جنوب ایران گسترش دهد یعنی مناطقی که انگلیس رسماً در قرارداد آن را برای خود تضمین نمود. روسیه پیش‌تر خواهان بندری در خلیج فارس بود و انگلیسی‌ها اینک با قرارداد ۱۹۰۷ رسماً مانع تحقق این خواسته شدند. اعتراض کرزن به قرارداد، نمایانگر جاه‌طلبی امپریالیستی وی بود. کرزن اعتراض می‌کرد که موقعیت با زمانی که وی پیشنهاد تقسیم ایران را داده بود فرق کرده است و روسیه اکنون در سرایشی افول قرار دارد و انگلیس می‌تواند همه ایران را برای خود بخواهد. سرانجام زمانی که کرزن به وزارت امور خارجه رسید، با طراحی قرارداد ۱۹۱۹ تلاش نمود این ایده خود را جامه عمل بپوشاند. (همان، ۱۲۶)

**اهمیت کشور آلمان از دیدگاه بریتانیا**

آلمان در روند پیشرفت و نفوذ روزافزون خود، بزودی می توانست رقیبی مهم برای انگلیس در خلیج فارس محسوب گردد. به همین دلیل، دولتمردان انگلیسی برای جلوگیری از نفوذ آلمان و روسیه در خلیج فارس تصمیم گرفتند با یکی از آنها متحد شوند. از آنجا که جلب نظر دولت آلمان بسیار دشوار می نمود، انگلیس به روسیه متمایل شد و سعی کردند بتدریج روسها را به سوی خود جلب کند. اما با جدیت آلمانی ها در ساختن راه آهن برلن - بغداد این فکر در انگلیسی ها قوت گرفت. به ویژه زمانی که دولت انگلیس پیشنهادهای دولت آلمان را برای مشارکت سرمایه انگلیسی در احداث این راه آهن رد کرد، سیاستمداران انگلیسی بیش از پیش سیاست نزدیکی به روسها را پی گرفتند. سفارت ایران در لندن، در گزارش خود به وزارت امور خارجه مبنی بر تلاش روسیه و انگلیس در تسریع انعقاد قرارداد به خاطر ترس از آلمان می نویسد: به طوری که تلغرافاً عرض شد، بعضی از روزنامه جات لندن به سند اطلاع از محل موثق می نویسند که دولت آلمان یک ماه است با دولت علیه ایران در گفتگو است و قرار داده شده است که یک میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره قرض به ایران بدهد و در عوض بندری برای انبار زغال و یا سهولت برای زغال گیری در خلیج فارس تحصیل نماید. روزنامه جات و مردم انگلیس را نصایح می دهند که هرچه زودتر قرارداد با روس را ببندد که هرگاه آلمان در ایران امتیازی حاصل نماید و مقامی پیدا کند، اسباب خطر بزرگ خواهد بود و رفش کار بسیار مشکلی خواهد بود. [جز این] منشاء این خبر باز روزنامه استاندارد بود و این خبر را از قول وقایع نگار پاریس خود به طبع رسانید. روزنامه مزبور نوشته است که این مطالب را از محل موثقی شنیده است و می نویسد که قرار استقرض معروض را (مسیو نوز) با وزیرمختار آلمان داده اند... [که] شعبه [ای نیز] از راه آهن بغداد به کرمانشاه بسازد و این خط به تهران امتداد خواهد یافت و بعضی قسول گری های آلمان در کرمانشاه و شیراز و غیره احداث خواهد شد و آلمان این روزها در

ایران نفوذی به هم رسانیده است. (ترک چی، ۱۳۸۸: ۳۸۵) هر چند روزنامه اندپاندانس بلژ همکاری ایران در زمینه دادن امتیاز بندری در خلیج فارس و امتداد خط آهن بغداد به کرمانشاه و خلیج فارس را به آلمان جعلی دانست (همان: ۳۹۳) اما به هر روی "تهدید آلمان در اروپا بود که باعث شد روسیه و انگلیس اختلاف خود را درباره ایران حل کنند. (کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۵۶۹) گستره فعالیت های اقتصادی و سیاسی آلمان در خاورمیانه تنها به ایران اختصاص نداشت، بلکه عثمانی را هم شامل می شد. روسیه و انگلیس از گسترش نفوذ آلمان از طریق عثمانی نگران شدند. در ۲۴ آوریل ۱۹۰۶ سفیرکبیر انگلیس در استانبول در نامه محرمانه خود به ادوارد گری می نویسد: سفیر آلمان در استانبول علاقه خاصی به اختلافات مرزی ایران و عثمانی نشان می دهد و تعیین شخص دانا و پرقابلیتی مثل استیمرچ به سمت وزیر مختار آلمان در تهران نشان داد که آلمانها در نظر دارند فعالیت های مهمی در ایران بنمایند و اگر زودتر روسیه و انگلیس در قضیه ایران قراردادی منعقد نسازند، بعید نیست که عنقریب با دخالت های دولت آلمان مواجه شوند. (مازندرانی، ۱۳۲۸: ۱۶)

### قراردادن پترزبورگ

شکست روسیه از ژاپن و گرفتاری روسیه در منچوری، آن دولت را به رفع اختلافاتش با انگلیس - در زمینه منافی که در افغانستان، تبت و ایران داشتند و داشت. دولت انگلیس هم که در آفریقا گرفتار جنگ ترانسوال بود، برای حفظ موقعیت خود در تبت و افغانستان و نیز جلوگیری از پیشرفت نفوذ روسیه در ایران، زمینه های قرارداد ۱۹۰۷م. را آماده کرد. انگلیسی ها به منظور حفظ نفوذ و قدرت خود در خلیج فارس از هیچ عملکرد و سیاستی فروگذار نبودند. نمایش قدرت ناوگان آنها در خلیج فارس به سرکردگی کرزن، نایب السلطنه وقت هندوستان (آوری، ۱۳۶۹: ۲۵۴) و تلاش او در

جذب و جلب نظر شیوخ خلیج فارس (محمود، ۱۳۶۲: ۱۱۹) و سپس صدور اعلامیه ای درباره خلیج فارس از سوی دولت انگلیس از جمله کارکرد انگلیسیها در راستای اهداف سیاسی - اقتصادی شان در آن منطقه بود. اعلامیه دولت انگلیس درک بهتری از این موضوع ارائه می دهد که در بخشی از آن چنین آمده است: دولت انگلستان برقراری یک پایگاه نظامی یا بندر بحری در خلیج فارس را از طرف هر دولتی [که] باشد ... اقدامی علیه منافع بریتانیای کبیر [می داند]، لذا دولت انگلیس با تمام قوایی که در اختیار دارد، در مقابل چنین اقدامی مقاومت خواهد کرد (همان) این اعلامیه به خوبی دیدگاه دولت انگلیس و میزان حساسیت آن را در مورد خلیج فارس بیان می کند. باید سیاستی در پیش می گرفت که از منافع خود در خلیج فارس دفاع می کرد و تا آنجا پیش رفت که در اتحاد با روسیه مصمم شد اتحادی سیاسی که بیش از پیش ایران و ایرانی را در بند خودکامگی و استثمار هر دو قدرت اسیر می کرد. در روسیه روند تحولات در دولت و کابینه به ویژه از سال ۱۹۰۶م. به بعد نشان از دگرگونی اوضاع به نفع طرح اتحاد با انگلیس داشت. تعدادی از مخالفان این طرح برکنار شدند و هواداران سازش با انگلیس جای آنها را گرفتند. برکناری لمسدورف از مقام وزارت امور خارجه روسیه و جایگزینی ایزولسکی در آن منصب مهم ترین و اصلی ترین نمونه این تحولات بود. از آن به بعد، تلاش های گری و معاونش هاردینگ و سر آرتور نیکلسن سفیر انگلیس در سن پترزبورگ و نیز همراهی و همکاری ایزولسکی و بنکیندورف سفیر روسیه در لندن به ثمر نشست و مقدمات امضای قرارداد فراهم شد و به رغم مخالفت ها و انتقادهای سیاستمداران در هر دو کشور، سرانجام در بیست و یکم رجب ۱۳۲۵ / سی و یکم اوت ۱۹۰۷ قراردادی که به "قرارداد ۱۹۰۷م." شهرت یافت، در سن پترزبورگ پایتخت روسیه به امضای نمایندگان دو کشور رسید. این قرارداد شامل سه بخش ایران، افغانستان و تبت بود. در بخش مربوط به ایران، هر دو دولت ضمن احترام به استقلال و تمامیت ارضی

ایران به دو منطقه نفوذ میان خود و منطقه ای حائل و بی طرف که زیر نفوذ دولت مرکزی ایران قرار می گرفت، تقسیم کردند. روس ها در شمال و انگلیسی ها در جنوب. منطقه نفوذ روسیه از قصرشیرین آغاز می شد، از اصفهان و یزد و خواف می گذشت و به مرز روسیه و افغانستان ختم می گردید. منطقه نفوذ انگلیس هم از ناحیه گزیک در مرز افغانستان آغاز می شد و با عبور از بیرجند و کرمان به بندرعباس منتهی می گردید. منطقه نفوذ انگلیس بعدها در جنگ جهانی اول و با انعقاد قرارداد پنهانی قسطنطنیه در سال ۱۹۱۵ م. گسترش یافت و سراسر مناطق جنوبی ایران را دربر گرفت. (حبل المتین، ۱۳۲۵ ه.ق، ش ۱۳۴)

#### اهمیت نفت

این زمانی بود که "نفت" به عنوان مهمترین ماده اقتصادی، رنگ سیاست به خود گرفته بود و اهمیت جنوب ایران و خلیج فارس را برای انگلیسیها بیش از پیش آشکار می ساخت. مفاد قرارداد بیانگر خواسته های هر یک از آن دو قدرت بود که در مناطق یکدیگر نفوذ نکنند و در امور اتباع خود و یا دولتی دیگر، هیچ امتیازی درخواست ننمایند. درباره منطقه بیطرف نیز موافقت کردند با امتیازاتی که از سوی دولت ایران به هر یک از آن دو و یا اتباع آنها داده می شود، مخالفت نکرده و در مورد امتیازات پیشین نیز به توافق رسیدند. اما بهتر آن است که مفاد پنج گانه قرارداد درباره ایران از یکی از اسناد آرشیو وزارت امور خارجه استخراج گردد و میزان زیاده روی و گستاخی آنها در به زیر سؤال بردن استقلال ایران سنجیده شود: قرارداد در باب ایران نظر به اینکه دولتین انگلیس و روس متفقاً متعهدند که استقلال ایران را مراعات نمایند و محض آنکه صمیماً مایل به حفظ نظم در تمام نقاط این مملکت و قرارداد ۱۹۰۷ میلادی استعمار یا استقلال ۱۲۳ ترقی صلح آمیز آن می باشند و مایل اند که برای تمام سایر ملل بالسویه حقوق

تجارتی و صنعتی همیشه برقرار بوده باشد و چون هر یک از دولتین مذکورین به ملاحظه ترتیب جغرافیایی و اکونومی (ثروتی) اهتمام مخصوصی در حفظ امنیت و نظم بعضی ایالات متصله یا مجاوره ایران به سرحد روس از یک طرف و به سرحد افغانستان و بلوچستان از طرفی دیگر و [ناخوانا] برای احتراز از هر گونه علل و اسباب حدوث اختلافی نسبت به مصالح خودشان در ایالات سابق الذکر ایران به موجب مدلول فصول ذیل با یکدیگر اتفاق نمودند. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: ططری، علی و محمد حسن نیا، ۱۳۸۸-۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۴۱)

#### **مفاد قرارداد سن پترزبورگ**

مفاد این قرارداد شامل سه بخش بود. یک بخش مربوط به ایران و دو بخش دیگر مربوط به افغانستان و تبت. طبق این قرارداد افغانستان و تبت تحت نفوذ انگلستان قرار گرفت و ایران ضمن تاکید هر دو دولت بر استقلال و تمامیت ارضی، به دو منطقه نفوذ شمالی و جنوبی و یک منطقه حائل و بی طرف مرکزی تقسیم شد. منطقه نفوذ روسیه در خطی از قصرشیرین آغاز می شد و از اصفهان و یزد و خواف می گذشت به مرز روسیه و افغانستان منتهی می شد و منطقه تحت نفوذ انگلیس نیز خطی بود که از ناحیه گزیک در مرز افغانستان آغاز می شد و با گذر از بیرجند و کرمان به بندرعباس ختم می گشت. بر اساس این قرارداد هر دو کشور متعهد می شدند که در مناطق تحت نفوذ یکدیگر برای خود و اتباعشان هر گونه امتیازی را طلب و تحمیل نکنند و به مخالفت با امتیازات مورد درخواست دولتین در مناطق تحت نفوذ خود در نیایند. درباره منطقه بی طرف نیز متعهد شدند که بدون موافقت قبلی با یکدیگر با امتیازاتی که به هر یک از دول و اتباعشان واگذار می شود، مخالفت نکنند. در عین حال عایدات گمرکی، شیلات، پست و تلگراف در



مناطق یادشده گرو و محل پرداخت اقساط وام‌های ایران بود. خبر عقد قرارداد چهار روز بعد از امضای آن در تاریخ ۴ سپتامبر ۱۹۰۷ از سوی سفارت انگلیس در تهران به وزارت خارجه ایران ابلاغ شد و این در حالی بود که یک سال و یک ماه از انقلاب مشروطیت ایران می‌گذشت. واکنش دولت ایران و مجلس تازه تاسیس شورای ملی نسبت به این قرارداد به دلیل درگیری در بحران‌های داخلی و ترور امین‌السلطان (اتابک اعظم) صدراعظم وقت در جلوی مجلس چندان دقیق و مشخص نبود، اما به طور قطع اثرات غیر قابل تصویری بر سرنوشت انقلاب مشروطه باقی گذارد. سیاست انگلیس که تا قبل از آن در حمایت ضمنی از مشروطه‌خواهان بود، دچار دگرگونی شد و در کنار روسیه در مقابل مشروطه‌خواهان ایستاد. (همان)

فصل اول: دولت انگلیس متعهد می‌شود که در آن طرف خطی که از قصرشیرین از راه اصفهان و یزد و خاخ به نقطه ای از سرحد ایران منتهی و سرحد روس و افغانستان را تقاطع می‌نماید برای خود یا کمک به رعایای خود یا معاونت به اتباع دول دیگر در صدد تحصیل هیچ گونه امتیاز پلتیکی یا تجارتنی از قبیل اختیارات راههای آهن و سایر راهها و بانک ها و تلگراف ها و حمل و نقل و بیمه و غیره برنیاید و نیز دولت انگلیس متعهد است که وجه اُ من الوجوه به هیچ وسیله در اوقاتی که دولت روس به مقام معاونت به مطالبه این قبیل امتیازات در نواحی مزبوره برمی آید ابداً ضدیت ننماید و مسلم است که اماکن مذکوره در فوق جزو نواحی است که در آنها دولت انگلیس متعهد است که در مقام تحصیل امتیازات مذکوره فوق برنیاید. فصل دوم دولت روسی هم متعهد است که در آن طرف خطی که از سرحد افغانستان از راه قازیک و بیرجند و کرمان رفته به بندرعباس منتهی می‌شود برای خود یا کمک به اتباع خود و یا معاونت به رعایای دول دیگر در صدد تحصیل هیچ گونه امتیازات پلتیکی یا تجارتنی از قبیل امتیازات راههای آهن و سایر راهها و بانکها و تلگراف ها و حمل و نقل و بیمه و غیره

برنیاید و نیز دولت روس متعهد است که وجه من الوجوه به هیچ وسیله در اوقاتی که دولت انگلیس در مقام کمک به مطالبه این قبیل امتیازات در نواحی مزبوره برمی آید ضدیت ننماید و مسلم است که اماکن مذکوره در فوق جزو نواحی است که در آنها دولت روس متعهد است که در مقام تحصیل امتیازات مذکوره فوق برنیاید. فصل سوم دولت روس متعهد می شود که بدون اینکه قبلاً با دولت انگلیس مشاوره و تفهیمی شده باشد به هیچ گونه امتیازی که به رعایای انگلیس در نواحی ایران واقعه فیمابین خطوط مذکوره در فصل اول و دوم داده شود، ضدیتی نکند. دولت انگلیس نیز به همین نحو در باب امتیازاتی که به رعایای روس در همان نواحی ایران داده می شود، متعهد است. تمام امتیازات موجوده حالیه در نواحی مذکوره در فصل اول و دویم هم به حال خود برقرار خواهند بود. فصل چهارم مسلم است که عایدات تمام گمرکات ایران به استثنای گمرکات فارس و خلیج فارس یعنی عایداتی که به ضمانت وجه اصل و منافع قروض دولت ایران از بانک استقراضی روس تا تاریخ امضای این قرارداد حالیه داده شده برای همان منظور کمافی السابق برقرار خواهد بود. نیز مسلم است که عایدات گمرکات ایران در فارس و خلیج فارس و همچنین عایدات عمل صید ماهی سواحل ایران در دریای خزر و همچنین عایدات پست و تلگراف برای ادای قروض دولت ایران از بانک شاهنشاهی که تا تاریخ امضای این قرارداد حالیه داده شده است، کمافیالسابق برقرار خواهد بود. فصل پنجم در صورت عدم ترتیب ادای وجه اصل یا پرداخت منافع قروض ایران از بانک استقراضی و بانک شاهنشاهی تا تاریخ امضای این قرارداد و در صورتی که برای دولت روس لازم شود در محال عایداتی که برای مرتب رسیدن قروض از بانک استقراضی رهن شده و آن محال در نواحی مذکوره در فصل دوم این قرارداد واقعاوند کتترلی بگذارند و نیز در صورتی که برای دولت انگلیس لازم شود در محال عایداتی که برای مرتب رسیدن قروض از بانک شاهنشاهی رهن شده و محال

مزبوره در نواحی مذکوره در فصل اول این قرارداد واقع اند کنترلی بگذارند دولتین انگلیس و روس متعهد هستند که قبلاً دوستانه با یکدیگر مشورت نموده متفقاً قرار اقدام به برقراری این کنترل را بدهند و از تمام مداخلاتی که برخلاف اصول و اساس این قرارداد حالیه است، احتراز جویند. در سنت پترزبورغ نسخه‌تان به انجام رسید. ۳۱ - ۱۸ اوت ۱۹۰۷ امضا: نیکلسن امضا: ایزولسکی (طبری، ۱۳۸۷: ۱۴۴-۱۴۲)

### سیاست روسیه و انگلستان در مورد ایران

دیدگاه دولتمردان و سیاستمداران انگلیسی در مورد طرح اتحاد انگلیس با روسیه در آسیا یکسان نبود برخی موافق و شماری مخالف بودند. موافقت‌ها و مخالفت‌ها حتی پس از امضای قرارداد ۱۹۰۷ م. در نامه‌ای از سفارت ایران در لندن به وزارت امور خارجه درباره مذاکرات نمایندگان مجلس اعیان انگلیس درج شده است. سفارت لندن ترجمه مذاکرات مجلس کردها در باب قرارداد روس و انگلیس (۱۱ فوریه ۱۹۰۸) برخوایسته در دفاع رئیس مجلس شورای وزیرا بعد از (لرد لانزدون) لرد همان نوع دلایلی که طرفداران دولت ذکر نموده بودند، ذکر کرد. گفت که باید تمام قرارداد را ملاحظه نمود و غیره و غیره. (لرد کورزن) سؤال کرد که باید دید عقیده ایرانیها در باب این قرارداد چیست از طرف ایران پرتستی در این باب نشد و در این چند روز آخر، یکی از وزرای بسیار محترم معروف ایران عقیده خیلی خوبی در باب قرارداد ذکر نموده است. عقیده اش این است که اشکالات مالی ایران بیشتر به واسطه رقابتی است که بین روس و ما در ایران بود و اگرچه آن وزیر نگفت، ولی من از بیاناتشان همچو استنباط می‌کنم که مقصودشان این است که اثر این رقابت این بوده است که در عوض اینکه استعدادات ایران را ترقی بدهند در ضمن نطق خود گفت که اگر برای فایده خود به کار می‌بردند. (لرد میدلتون) انگلیس می‌خواست قرار مسئله استقراض را به ایران بدهد، می

توانست تقریباً تمام آنچه حالا تحصیل نموده ایم به طور شرط استقراض تحصیل نماییم، بدون اینکه در اشکالات مملکتی با روس طرف شویم. شاید هم این صحیح باشد ولی اگر آن طور شده بود، چطور می توانستیم اعتراض نماییم به اینکه ایران قرارداد علیحده که بیشتر برای ما مضر باشد با روس بگذارد. لرد کورزن نفوذی که روس در ایران به هم رسانده بود، حقیر می پندارد. به قدری که راجع به تجارت است راه آهن ماورای خزر است که مسکو و سایر مراکز بزرگ تجارتي را به ایران متصل می کند. دیگر اینکه، روس با مخارج گزاف سه راه بسیار خوبی از سرحد خود به طهران و نقاط دیگر ساخته است و سه لیون لیره به ایران قرض داده است. در باب مقام نظامی روس، راه آهن ماورای خزر البته آن مقام را مستحکم نموده است. به علاوه یک هزار و پانصد نفر قزاقی که در ایران هستند، فقط در تهران نیستند و در تمام نقاط ایران تقسیم شده اند. تمام این چیزها قدرت و نفوذ بزرگی به روس می دهد و انصاف نیست کسی بگوید که وقتی قرارداد بسته شد ما در مقامی بودیم که شرایط خود را به زور به روس بقبولانیم. در باب جنوب البته ما در آنجا استیلا داریم، ولی نمی شود گفت که روس در آنجا نفوذی ندارد. عقیده من این است که تجارت روس طبعاً مایل به بسط به طرف جنوب است. روس به خط جهازاتی که به خلیج فارس می روند کمک پولی می کند و نیز در بوشهر و در اصفهان قنسول جنرال و در نقاط دیگر جنوب، قنسول ها معین نموده است. زمانی که (لرد کورزن) فرمانفرمای هند بود، گمان می رفت که بشود قراری داد و دولت هند عقیده خود را ذکر نمود در باب دایره که روس در آن نفوذ پلتيکی و تجارتي دارد. آن دایره از بعضی جهات برای ما صرفه اش کمتر از دایره های بود که در این قرارداد حالیه معین شده است (آرشیو وزارت امور خارجه، گزارش سفارت ایران در لندن: ۱۱ فوریه ۱۹۰۸)، مطابق گزارش های سفارت ایران در لندن از واکنش مخالفان قرارداد ۱۹۰۷م. در

انگلیس، می توان نگرانی آنها از نزدیکی روس ها به هند و خلیج فارس را دریافت. در یکی از این گزارش ها آمده است که :

استخراج تلگراف رمز از لندن کرزن در مجلس لردها حضرت مستطاب اجل اشرف مشیرالدوله، دیشب لورد نطق مفصلی در ایراد از قرارداد روس و انگلیس نمود و گفت: به واسطه این قرارداد تمام منافی که در عرض صد سال انگلیس تحصیل نموده بود از دستش رفته [است]. نقاطی که جزء دایره روس شده است، اغلب نقاطی هستند که تجارت و منافع انگلیس در آنجا زیاد بود و همیشه جزء دایره انگلیس محسوب می شدند و در همسایگی و مجاورت به خاک روس نیستند. دایره انگلیس اهمیت تجارتي و ثروتي ندارد و خیلی مختصر است. راست است که سیستان اهمیت استرات اجیک [استراتژیک] دارد، ولی محض خاطر سیستان، دولت انگلیس از تمام ایران صرف نظر نموده و اگر گمان می کنند که ملاحظه استراتاجیک انگلیس منحصر به سیستان است، سهو کرده اند. منافع دیگر در ایران خیلی داشتیم که تمام از دست رفته است. دولت اشتباه بزرگی کرده است که خلیج فارس را جزء قرارداد نکرده [است]. روسها بعد از آنکه قوتی به هم رساندند، توجه خود را صرف آباد کردن دایره خود خواهند کرد و عنقریب خواهیم دید که راه آهن های روس به یزد و اصفهان خواهند رسید و اگر بخواهند این راه آهن ها را به خلیج فارس امتداد بدهند، به موجب قرارداد نمی توانیم ممانعت نماییم آن وقت استیلای انگلیسیها کجا خواهد بود و از استقلال ایران چه باقی می ماند؟ این قرارداد [ناخوانا] است از بدی به خود ایرانی ها نموده است و سلب اعتمادشان از انگلیس شده است. دولت انگلیس که این همه رعیت مسلمان دارد، نباید با ممالک مسلمانها اینطور رفتار نماید و بدون مشورت با آن ها مملکتشان را قسمت نماید. اینکه می گویند قرارداد مانع از این شد که روس در این اغتشاش ایران از مداخله خودداری نماید، غلط است. اگر اغتشاشات طول بکشد خودداری نخواهد کرد. معاون وزارت خارجه

در - [ناخوانا] قرارداد گفت: خیلی نقشه ها برای ترقی ایران کشیده شد، ولی همه بی نتیجه مانده [است]. بالاخره دولت لازم دید که دست از رقابت با روس بردارد و روابط خود را با او بر اساس محکم و واضحی بگذارد. در باب دایره روس جوابش این بود که کلیه قرارداد را باید ملاحظه کرد و دید که در روس، ما چه فواید برده ایم. در رفع مسائل معوقه و قطع رقابت با روس را عوض حصه در آسیا نمودیم. به عقیده اهل خبره، آنچه برای انگلیس لازم بود، داشتن سیستان و کرمان و بندرعباس بود؛ محض اینکه روس نتواند به بندرعباس و یا به نقطه ای در شرق آن راه آهن بسازد و این مقصود تحصیل شده [است]. ایراد دیگر این است که چرا گذاشتیم راه آهن تجارتي که از بغداد به خانقین و همدان میرود، در دایره روس بیفتد. اگر میخواستند آن نقاط را از دایره روس خارج نمایند، این قرارداد سر نمی گرفت. زیرا خ که روس می واهد خطهای راه آهن خود را در ایران با آن راه وصل نماید و دیگر اگر ما مانع میشدیم که این راه آهن به دست روس بیفتد، دولت دیگر که در راه آهن بغداد دخیل است، به میدان می آمد و لازم می شد که انگلیس با ضدیت متفق آن دو دولت مقاومت نماید. روسها هم دنباله این مباحثه را خواهند گرفت. امضا: مهدی ۶ محرم ۱۳۲۶ (آرشیو وزارت امور خارجه، گزارش سفارت ایران در لندن ۶ محرم ۱۳۲۶)

در تحلیل های سفارت ایران در لندن کارکرد سیاسی و اقتصادی انگلیس در یکصد سال پیش از آن در خلیج فارس، میزان اهمیت آن منطقه و دیدگاه انگلیس در این رابط به خوبی روشن شده است. تلگراف دیگری از همان سفارتخانه در ۱۴ محرم ۱۳۲۶ برای مشیرالدوله، وزیر امور خارجه وقت فرستاده شد. در این تلگراف وزیر امور خارجه انگلیس درباره قرارداد ۱۹۰۷ م. و مقاصد و منافع انگلیس از برقراری آن، تأکید در حفظ منطقه سیستان در دست انگلیسی ها و نیز لزوم انعقاد قرارداد به منظور جلوگیری از درگیری روس و انگلیس بر سر منافع مشترک در ایران چنین گفته

است: استخراج تلگراف رمز از لندن حضرت مستطاب اجل مشیرالدوله، قرارداد روس و انگلیس دیروز در مجلس وکلا مباحثه شد وزیر امور خارجه در فقره قرارداد گفت: یکی از ختم قرارداد وضعی بود که در ایران پیش آمده بود؛ وقتی که وزرای حالیه سر کار آمدند اگر قرارداد نبود، یقیناً معارضه بین دولتین می شد و با اوضاع حالیه ایران یقیناً هر دو دولت در امور ایران مداخله می کردند. انگلیس طمعی به ایران ندارد و اگر داشت، دو سال قبل که روس مشغول بود، می توانست همه کار بکند. دایره [ای] که انگلیس برای خود معین نموده است، بیشتر استراتاجیک است و نه تجارتي و قصه عمده داشتن سیستان است زیرا که هند از طرف سیستان است. وزیر امور خارجه به بیاناتی فهماند که با وجود این منافع و نفوذی که روس در عرض بیست سال آخر در ایران به هم رسانده است، نمی شد به غیر آنچه به او داده شد، داده شود. اگر این موقع را برای ختم قرارداد از دست داده بودیم، شاید دیگر موقعی به دست نمی آمد و اگر این موقع از دست رفته بود، ببینید در ایران چه واقع می شد. اوضاع آنجا اسباب می شد که مداخله نماییم. نمی توانم بگویم که خطر مداخله در ایران به کلی رفع شده [است] با اشکالات داخلی و اشکالات در سرحد عثمانی هیچ کس به طور یقین نمی تواند بگوید چه واقع خواهد شد، ولی خطر مداخله از طرف ما و روس خیلی کم شده است. اینکه گفته شده که به واسطه قرارداد به منافع ایران صدمه خورده است، صحیح نیست. در این مذاکرات از دایره روس و انگلیس ذکر شده است، ولی نباید فرض کرد که مقصود از دایره، تقسیم پلتیکی است. دایره ها فقط حد منافع دولتین را معین می نماید به هیچ وجه برخلاف استقلال و پادشاهی ایران نیست. هر گاه چنانچه امروز ایران خود بتواند معماهای کونتیتوسین خود را که حالا آنقدر مهم و مشکل شده [است]، حل نماید و بعد از سالها سوء حکمرانی و فساد، به واسطه مشروطیت [ناخوانا] قویتر درستی قرار بشود، در آن صورت من می گویم که وسیله او برای حل مشکلاتش به واسطه این

قرارداد بهتر شده است. امضا: مهدی ۱۴ محرم ۱۳۲۶ (آرشیو وزارت امور خارجه، گزارش سفارت ایران در لندن: سال ۱۳۲۶)

### پیامدهای قرارداد ۱۹۰۷

پیش از امضای قرارداد ۱۹۰۷ م. در گرماگرم بحث دولتمردان و سیاستمداران روسیه و انگلیس - اگر چه هر یک، وجود مناظرات و قصد خود از اتحاد و عقد قرارداد اد میان روس و انگلیس را پنهان می داشتند و حتی کتمان می کردند - مطبوعات اروپا از جمله روزنامه های آلمان از اتحاد قریب الوقوع آنها گزارش هایی منتشر نمودند. روزنامه ها که تا بعد از امضای قرارداد نیز گزارشهایی درباره آن چاپ کردند، نامه ها و تلگراف ایی که از سفارتخانه های ایران در اروپا، به ویژه از لندن به وزارت امورخارجه فرستاده می شد، منابعی مهم در بررسی اوضاع سیاسی و فضای دیپلماسی زورمداران روسیه و انگلیس به شمار م یآیند. (طبری، ۱۳۸۷: ۱۴۱-۱۴۰ و ۱۲۱) در این میان، کارگزار مرکزی خراسان و سیستان به تاریخ نیمه شعبان ۱۳۲۵ درباره مطالب مربوط به قرارداد روس و انگلیس مندرج در روزنامه ای در لندن گزارش می دهد که: در روزنامه لندن، مفاد عهدنامه اتفایه روس و انگلیس را این طور انتشار داده اند که جهات شمالی و غربی ایران تا خانقین با روسها و جهات جنوبی با دولت انگلیس است که طرفین بدون رضایت یکدیگر و اجازه اقدامی نمی توانند بنمایند. (آرشیو وزارت امور خارجه، گزارش کارگزاری مرکزی خراسان و سیستان و بلوچستان: ۱۵ شعبان ۱۳۲۵) خبر انعقاد قرارداد روسیه و انگلیس و متن فارسی و فرانسه آن در پانزدهم شعبان ۱۳۲۵ / بیست و چهارم سپتامبر ۱۹۰۷ از سوی سفارت انگلیس در تهران به وزارت امورخارجه ایران داده شد. (همان: ۱۴۴-۱۴۲) پیش از آن نیز سفارت روسیه در تهران در دوم شعبان ۱۳۲۵ / یازدهم سپتامبر ۱۹۰۷ در نامه ای به شماره ثبت ۱۲۷۶ امضای قرارداد را به وزارت امورخارجه



ایران اطلاع داده بود. (همان: ۱۳۶-۱۳۵) با توجه به عمق فاجعه سیاسی که برای ایران اتفاق افتاده بود و به رغم گزارش هایی که حتی پیش از امضای قرارداد به دولتمردان ایران می رسید، کمتر کسی نسبت به آن واکنش صریح و جدی نشان داد. در این زمان، دولت مشروطه با مجلس نوپا در کشاکش امور داخلی مشغول برنامه ریزی برای حل مشکلات کشور بودند. با توجه به مشروح مذاکرات مجلس اول شورای ملی، موضوع این قرارداد چندین بار از سوی نمایندگان مطرح شد و در این مورد میرزا ابوالحسن خان شیرازی، نماینده شیراز گویی بیش از دیگر مجلسیان به اهمیت مسئله توجه داشت. حتی نمایندگان تندرو و سخنوری همچون حسن تقی زاده نیز با کم توجهی از کنار آن گذشت. او سال ها بعد، هنگامی که در جنگ جهانی اول به برلن رفته بود، به سیاست های استعمارگرایانه روسیه و انگلیس اعتراض کرد. (مورخ الدوله سپهر، ۱۳۴۱: ۸۸)

مشروح مذاکرات مجلس اول در جلسه ۲۶ شعبان ۱۳۲۵ گویای واکنش هر یک از نمایندگان به این قرارداد است. در این جلسه، نامه سفارت انگلیس در تهران درباره قرارداد و مفاد آن برای حضار خوانده شد. هر یک از نمایندگان دیدگاه خود را ارائه دادند و کمتر کسی به دیده تحلیل بدان نگریست و سوءظن کمتر کسی برانگیخته شد. (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی، ۱۳۲۵: ۳۳۵-۳۳۲) بنا بر اسناد وزارت امور خارجه سه نفر از دولتمردان به قرارداد ۱۹۰۷ م. واکنش منفی نشان دادند. میرزا مهدی خان علایی وزیرمختار ایران در مرتضی خان ممتازالملک وزیرمختار ایران در امریکا و میرزا ملکم خان لندن، وزیرمختار ایران در رم که شخص اخیر ضمن نامه ای انتقادی، استعفای خود را از وزارت خارجه خواستار شد و چنین اظهار داشت که: قرارداد تقسیم ایران فیما بین روس و انگلیس درهای تأسف را به روی بنده باز کرد ... حالا که پهلوانان خرابی ایران از برای ما دیگر هیچ احتیاجی به سفارت باقی نگذاشته اند، از محبت کریمانه جنابعالی استدعا مینمایم با اجازه بندگان اقدس همایون شاهنشاه، این وجود نابود

را از قیودات این سفارت هر چه زودتر آزاد فرمایند. (آرشیو وزارت امور خارجه ۵۱-۲ - ۱۳۲۵ق) هر چند در آرشیو وزارت امور خارجه، نامه هایی از آن وزارتخانه به سفارت ایران در لندن مبنی بر پیگیری درباره قرارداد موجود است، اما این کنکاش حتی "نوشداروی پس از مرگ" هم نبود، چون هیچ ممانعتی در اجرای قرارداد ایجاد نکرد. به دار آویختن مشروطه خواهان تبریز در سال ۱۹۱۱م. مهمترین نمونه از عملکرد روسها در منطقه نفوذشان بود. اولتیماتوم روسیه در اخراج مورگان شوستر، مستشار آمریکایی که در خدمت مالیه دولت ایران بود، (شوستر، ۱۳۵۱) تعطیل شدن مجلس دوم که در پی اولتیماتوم روسها به بهانه پاسبانی از جان و مال اتباع خود انجام پذیرفت (اتحادیه، ۱۳۷۵) و توپ بستن گنبد بارگاه امام علی بن م و سی الرضاع) در ۱۰ فروردین ۱۲۹۱ (خان ملک ساسانی، ۱۳۵۴: ۷۱- ۶۸) از جمله پیامدهای قرارداد ۱۹۰۷م. در داخل ایران بود. پیامدهایی که حتی به تزلزل پایه های سلطنت قاجارها انجامید و مشروعیت آنها را در تسلط بر ارکان قدرت ایران به چالش کشان دی. اما قرارداد ۱۹۰۷م. در عرصه سیاست خارجی و روابط دیپلماسی ایران تأثیرات مخربی داشت. دولتمردان وابسته به دو دولت (انگلیس ها و روسفیل ها) بیش از پیش در سایه سار وابستگی قرار گرفتند و این مسئله در تصمیم گیری های مهم سیاسی نقش بسیار مؤثری داشت. آنها بیش از آنکه به منافع کشور بیندیشند در طمع جاه و مال به خدمت گزاری هر چه بیشتر به یکی از دو قدرت استعماری تن می دادند. حضور نظامیان روس از جمله در رشت، تبریز و قزوین، اخذ وام هایی که در این زمان تنها از روسیه و انگلیس مجاز بود، استخدام مستشاران خارجی طبق نظر دو دولت متحد قرارداد و اخراج مستشاران غیر روسی و انگلیسی از ایران - که جریان اولتیماتوم روسیه در برکناری مورگان شوستر قابل توجه ترین آن به شمار می رفت- به ویژه در خلال جنگ جهانی اول با وجود اعلام بیطرفی ایران، نیروهای عثمانی از مرزهای غربی وارد خاک ایران شدند و در اثر ناتوانی نظامی ایران،

انگلیسی ها و روسها با افزایش شمار نظامیان خود در این مناطق، در عمل استقلال کشور را به زیر سؤال بردند و ایران بخشی از صحنه کشمکش بین المللی گردید . وزیرمختار انگلیس در ایران، بین سالهای-۱۹۳۵ ۱۹۳۶ در سفرنامه هیونچول هیورگسن از اثرات قرارداد ۱۹۰۷م. در روابط ایران و انگلیس و بیان گر دیدگاه جامعه ایران به پیامدهای این قرارداد است . او در فرازی از سفرنامه خود می نویسد :در موقع انتصابم، روابط بین بریتانیا و ایران صورتی نامطلوب و متزلزل داشت .معاهده کرزن در مردم تأثیر بد بخشیده بود. همه، پیمان ۱۹۰۷ م. را بر رخ ما می کشیدند که قصد تقسیم یا محو استقلال ایران را داشته ایم ... [ایرانیان] لغزشی کوچک را دلیل بر هتک حیثیت محسوب می داشتند و گمان می کردند که ما هنوز به افکار استعماری قرن ۱۹ پایبندیم و حاضر نیستیم که ایرانیان را هم طراز خویش بدانیم.(ططری،۱۳۷۸: ۳۳۵)سایه سنگین پیامدهای داخلی و خارجی قرارداد ۱۹۰۷م. همچنان بر سر ایران بود به وزارت ۲ تا آنکه در پی انقلاب بلشویکی روسیه در ۱۹۱۷م. و ارسال پیام تروتسکی امور خارجه مبنی بر لغو این قرارداد و نیز الغای هر قرارداد و معاهده ای میان حکومت تزاری با ایران از میان رفت ، (همان:۲۵۱- ۲۴۹) اما قرارداد ۱۹۰۷م. به عنوان خاطره ای تلخ و گزنده از سیاست زورمدارانه قدرتهای بزرگ زمانه در ایران در ذهن ایرانیان باقی ماند .بمباران مجلس اول، استبداد صغیر، اولتیماتوم روسیه به ایران، اخراج مورگان شوستر از ایران، تعطیلی مجلس دوم، ورود نیروهای روسیه به ایران به بهانه حفظ جان و مال اتباع کشور خود در تبریز و آذربایجان، تصرف تبریز و قتل و غارت و کشتار عظیم آزادی خواهان در منطقه در سال ۱۹۱۱ از پیامدهای جبران ناپذیر این قرارداد بود.بازتاب وسیع این قرارداد در ایران به تنفر بیش از حد ایرانیان از دو کشور روس و انگلیس و حمایت از دولت آلمان در جنگ جهانی اول انجامید. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و واگذاری کلیه امتیازات و اختیارات دولت روسیه فرصت خوبی برای ایران بود، اگر چه

جامعه ایران به مسائل دیگری از جمله قرارداد ۱۹۱۹ و تفوق انگلیس بر ایران و کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ مبتلا شد و پیامدهای بعدی رقابت دول در ایران را پدید آورد که به شکلی نوین و به صورت جنگ سرد بعد از جنگ جهانی دوم پدیدار شد. مهمترین تأثیر آن را با توجه به شرایط بحرانی و انقلابی ایران، می توان در سرنوشت مشروطه اول دید. انگلیس که پیش از انعقاد قرارداد، سیاست حمایت از مشروطه خواهان را پی می گرفت. پس از اتحاد با روسیه - که از مخالفان و موانع عمده انعقاد استقرار نظام مشروطیت در ایران به شمار می رفت- با سیاست های روسیه در برابر مشروطه خواهان هم سو شد و در سرکوبی مشروطیت نوپای ایران دست روسیه را باز گذاشت که توپ بستن مجلس اول نقطه اوج آن بود. مناطق نفوذ روسیه در ایران همانا مراکز مهم تدوین اندیشه مشروطه خواهی ایرانیان را دربر می گرفت تبریز و رشت زیر نفوذ روسیه قرار گرفت و روسها سیاست سرکوبی مستمر مشروطه خواهان را در این مناطق به شدت اعمال کردند. روسیه ابتدای سده بیستم میلادی به لحاظ سیاست داخلی و خارجی با روسیه سده نوزدهم فرق می کرد. پیگیری این سیاست ها و اتحاد با روسیه با میانجیگری فرانسه - که همیشه از آلمان و اومه داشت یکی از زمینه های بروز جنگ جهانی اول و اتفاق مثلث گردید و این مسائل همگی نشان دهنده اهمیت قراردادهای ۱۹۰۷ م. و پیامدهای آن در سطح رابطه قدرتهای استعماری جهان در آن ایام است. این قرارداد رویکرد بیگانگان در غارت منابع و پایمال کردن حقوق دولتها و ملتها را در مناطق مستعمره و تحت نفوذ معلوم می کند. اوضاع داخلی ایران همزمان با قرارداد ۱۹۰۷ م. و واکنش دولتمردان ایران به این قرارداد در این سالها اوضاع اقتصادی ایران بسیار بغرنج بود. درآمد ناخالص ملی یا به اصطلاح تولید ناخالص یک کشور، حتی در کشورهایی که آمارهای مفصل و دقیقی دارند، مشکل و تقریبی است. در ایران دوران قاجاریه هیچ یک از این آمارها وجود نداشت.

به لحاظ سیاسی، کشور در این سالها در تب و تاب حوادث مشروطیت بود و مخالفان و موافقان مشروطیت در مقابل یکدیگر صفآرایی کرده بودند و اوضاع داخلی ایران چه قبل از انعقاد قرارداد و چه بعد از آن - مصادف با تشکیل مجلس شورای ملی و امضای فرمان مشروطیت - بسیار وخیم بود و ناامنی در سراسر کشور بیداد می کرد. کابینه ها و وزرا پشت سر هم عوض می شدند و افکار عمومی بیشتر متوجه اوضاع داخلی بود تا مناسبات خارجی. رقابت گروهها و طرفداران مشروطه و مخالفان آن حتی در برخورد ایران با اوضاع جهانی نیز هویدا بود. از سوی دیگر، در ۳۱ اوت ۱۹۰۷، همان روزی که قرارداد روس و انگلیس راجع به ایران در سن پترزبورگ به امضا رسید، امین السلطان که در حال گفتگو با سیدعبدالله بهبهانی از عمارت بهارستان بیرون می آمد، به دست جوانی به نام عباس آقا صراف آذربایجانی که عضو یکی از انجمن های سیاسی بود، گلوله خورد و دیرزمانی نگذشت که جان سپرد. در مورد امین السلطان منابع گوناگون مطالب مختلفی درج نموده اند. کسروی، او را از موانع پیشرفت مشروطه برشمرده است و عنوان می کند. کشته شدن اتابک یک سنگ بزرگی را از سر راه پیشرفت مشروطه برداشت، و امید می رفت که در همان روزها یک سنگ بزرگ دیگری در سر راه مشروطه پدیدار گردد و آن پیمان ۱۹۰۷م. دو دولت روس و انگلیس بود که همان روزها در روزنامه هاشان پراکنده گردید. اعتراضات شدیدی از طرف دولت و ملت ایران در داخل و خارج نسبت به قرارداد ۱۹۰۷م. صورت گرفت. دولت و مجلس ایران انعقاد قرارداد مذکور را مردود اعلام کردند. در بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، اسناد واکنش های مقامات ایران در قبل و بعد از انعقاد قرارداد موجود است. اما بیشترین حمله از طرف ایران نسبت به قرارداد ۱۹۰۷م از سوی روزنامه حبل المتین صورت گرفت. این روزنامه در شماره های مختلف پرده از اسرار سیاست های روس و انگلیس در انعقاد این قرارداد برداشته است. از منابع دسته اول

بسیار مهم دیگر در زمینه آگاهی یافتن از واکنش ایران به قرارداد ۱۹۰۷م. صورت مذاکرات دوره اول مجلس قانونگذاری است.

### صورت مذاکرات مجلس شورای ملی

در جلسه روز پنجشنبه ۲ رمضان دارالشورای ملی، یکی از نمایندگان به نام آقا میرزا ابوالحسن خان، می گوید خوب است اجازه داده شود از وزارت خارجه استفسار نماید جواب سفارت را داده اند یا خیر. دوباره می پرسد: می خواهم از وزیر امور خارجه سؤال نمایم که جواب مراسله سفارت انگلیس را در باب معاهده فرموده اند یا خیر؟ «وزیر امور خارجه جواب می دهد: خیر هنوز جواب این مسئله داده نشده است ولی مشغولیم. به علت این که چون از جاهای لازمه باید بعضی استعلام ها بشود بعد جواب داده خواهد شد. باز میرزا ابوالحسن خان می پرسد: همچون مسموع می شود که دولت ایران معاهده را تصویب فرموده حقیقت دارد یا خیر؟ وزیر امور خارجه جواب می دهد: خیر صحیح نیست. ۳۰ در مذاکرات روز شنبه ۲۶ شعبان ۱۳۲۵ مباحثی راجع به قرارداد ۱۹۰۷ م. در مجلس شورای ملی مطرح شد. رئیس مجلس راجع به قرارداد ۱۹۰۷م. می گوید: این مراسله ای است که از سفارت انگلیس برای وزارت امور خارجه رسیده و ایشان آن قرارنامه را با مراسله فرستادند به مجلس قرائت شود. در این قرارنامه بین دولتین روس و انگلیس آن چه راجع به ایران است، نوشته اند. به تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ - ۱۵ شعبان ۱۳۲۵ جناب مستطاب اجل اکرم افخم با کمال احترام تصدیق افزا می گردد برحسب دستورالعملی که از دولت متبوعه دوستدار رسیده شرف دارم که صورت ترتیب منعقدہ فیما بین دولتین انگلیس و روس در مورخه ۳۱ اوت ۱۹۰۷ را تا اندازه که راجع به دولت علیه ای<sup>۱</sup> ران است، لفا ایفاد دارم. محض تسهیل قرائت نوشته مزبوره ترجمه غیرمستند آن را به نسخه فرانسه الحاق داشته محض احتراز از هرگونه اشتباه نیز باید اظهار دارم که

مسلم است نسخه فرانسه سندیت خواهد داشت. (صورت مذاکرات مجلس، ۱۳۲۴ه. ق، : ۳۴۰ و ۳۴۱) صورت قرارداد رسماً به دول معظمه ایفاد خواهد شد. و به زودی نیز انتشار خواهد یافت در این موقع احترامات فائقه را تجدید می نماید. پس از آن ۵ فصل قرارداد خوانده شد. مستشارالدوله می گوید: بر همه معلوم است که مدت‌ها دولت روس و انگلیس در ایران نفوذ پلتیکی و تجاری داشته اند و در بعضی نواحی مال بعضی زیادتر بود در حقیقت ایران میدان کاملی بود به جهت آن دو دولت اگر دولت ایران واقف به نقص کار خود بود، می دانست در آن حال می بایست فوائد و منافع بیشمار حاصل نماید ولی متأسفانه موقع را از دست داد و آن مباینت از بین مرتفع شد خیلی جای تعجب است که دو دولت در داخله دولت مستقلی واکنش ایران به قرارداد ۱۹۰۷م. به صورت های مختلف بوده است. مجلس شورای ملی و نمایندگان مجلس، مطبوعات و روزنامه های آن روز تهران و شهرستانها از قبیل حبل المتین، تمدن، الجمال، انجمن ملی مقدس اصفهان و روزنامه انجمن هر یک به گونه ای واکنش نشان دادند. نحوه عکس العمل دولت وقت ایران نیز با اسناد مربوط به قرارداد ۱۹۰۷م. راجع به ایران که در آرشیو وزارت امور خارجه نگهداری می شود. گویای اعتراض دولت ایران به قرارداد ۱۹۰۷م. است. این اسناد شامل نامه های رد و بدل شده میان سفارتخانه ها و وزارت امور خارجه و همچنین گزارش های تحلیلی نمایندگان ایران در خارج از کشور مانند نامه ممتازالملک، وزیرمختار ایران در واشنگتن است که در تاریخ ۴ شوال ۱۳۲۵ به درخواست وزیرمختار ایران در لندن به وزارت امور خارجه ایران نوشته است. اما آنچه مشهود است اعتراض دولت از حد نامه فراتر نرفت. (حسن نیا و دیگران، ۱۳۸۷ : ۴)

### لغو قرارداد

قرارداد ۱۹۰۷ یا همان قرارداد سن پترزبورگ در روسیه به انجام رسید. دولت ایران آقای «اسد بهادر» را در تاریخ آبان ۱۲۹۶ برابر با اکتبر ۱۹۱۷ انقلاب اکتبر در سفارت ایران در

سن پترزبورگ را نزد «لئو تروتسکی» وزیر خارجه روسیه کمونیستی فرستاد. آقای بهادر ماموریت داشت که درباره لغو قرارداد ۱۹۰۷ سن پترزبورگ و بیرون رفتن نیروهای نظامی روسیه با تروتسکی گفتگو کند. در بهمن ۱۲۹۶ تروتسکی اعلام داشت که همه قراردادهای میان ایران و روسیه که تمامیت ارضی ایران را به بازی می‌گیرند غیرقانونی هستند. در ۴ مرداد ۱۲۹۷ دولت ایران اعلام داشت همه قراردادها و امتیازهای داده شده به روسیه که ایران زیر تهدید و با دادن رشوه امضا کرده است لغو می‌شود. ۱۲ اسفند ۱۲۹۶ در قرارداد صلح میان شوروی و آلمان و اتریش که در شهر برست لیتوفسک در روسیه سفید قرارداد امضا شد، دولت شوروی استقلال و آزادی ایران و افغانستان را به رسمیت شناخت و اعلام کرد که استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و افغانستان و تمامیت ارضی این دو کشور را محترم خواهد شمرد.

#### **نتیجه گیری**

پیروزی نهضت مشروطه در ایران کمک فراوانی به اشتعال آتش انقلاب در هندوستان کرد و این موضوع سبب ترس انگلستان شده، این دولت را وادار کرد که در دیپلماسی خود نسبت به نهضت آزادی خواهی ایران تجدیدنظر کند. چنین بود علت اساسی سازش روس و انگلیس و عقد قرارداد معروف سال ۱۹۰۷. در ۱۸ اوت ۱۹۰۷ م معاهده مزبور به امضا رسید و طبق آن سه منطقه: شمالی و بی طرف و جنوبی در ایران در نظر گرفته شد. قسمت های شمالی که شامل ایالات زرخیز و مناطق صنعتی بودند و تهران و شهرهای دیگر از قبیل تبریز، رشت، قزوین و اصفهان که کانون های انقلابی بودند، به یک جا زیر نفوذ روسیه قرار گرفت. دولت انگلستان برای عوام فریبی ترجیح می‌دهد با دستکش سفید به عملیات بپردازد و روسیه نیز با در نظر گرفتن منافع صاحبان مال و جاه انگلیس، به عملیات خشن دست می‌زند. پس از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ و استقرار نیروهای روس و انگلیس در شمال و جنوب ایران، اوضاع روز به روز آشفته تر شد. بخشی از اسناد باقی



مانده از آن روز آشفستگی اوضاع داخلی ایران را پس از انعقاد این قرارداد گواهی می‌دادند. این اسناد مربوط به حمله قشون روس و شامل نامه‌ها و تلگراف‌هایی است که توسط علما، مقامات دولتی و مردم به مجلس شورای ملی فرستاده شده و مجلس پیگیری کرده است. این اسناد بعد از انعقاد ۱۹۰۷ م. یعنی سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۶ م. را شامل می‌شود. اطلاعات اخذ شده از این اسناد فضای آن دوره و ظلم و تعدی دولت روس را نشان می‌دهد که با زور اسلحه و تجهیزات جنگی و اعزام قشون، تحت عنوان دفاع از جان و مال مردم به مداخله در امور زندگی و غارت اموال آنها در شهرهای مختلف تحت نظر خود پرداخته است.

دولت ایران به وسیله وزارت خارجه و حسن پیرنیا، مشیرالدوله، که در آن زمان سفیر ایران در دربار روسیه بود، به این معاهده اعتراض کرد و مجلس شورای ملی عدم رسمیت این معاهده را برخلاف حق و عدالت و استقلال ایران بود، اعلام نمود ولی کسی به این اعتراضات جوابی نداد. پس از انتشار خبر قرارداد، کمیته سران مشروطه در جلسه ۲۲ محرم ۱۳۲۶ ق در برابر این جنایت سیاسی قیام نمودند و خشم و غضب و هیجانی که در میان ملت ایران از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ تولید شده بود و در تمام جهان و جراید ملل آزادی‌خواه انعکاس پیدا کرده بود، زمامداران لندن و روسیه را برآن داشت که متفقا اعلام بدارند که معاهده کمترین لطمه‌ای به استقلال و حق حاکمیت ایران وارد نمی‌آورد و فقط دولت روس و انگلیس برای حسن تفاهم در سیاست این معاهده را منعقد نموده‌اند.

### منابع و مأخذ

۱- آوری، پیتر (۱۳۶۹): تاریخ معاصر ایران، ج ۱، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی

- ۲- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره ( ۱۳۷۵ ):مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ۳- احمدی، حسین(۱۳۹۲):سیاست انگلیسی ها در ایران(۲۰۱۲-۱۸۰۰م)همایش بین المللی، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- ۴- ترکچی، فاطمه(۱۳۸۸): واکنش آلمان به انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ م با تکیه بر اسناد (در مجموعه مقالات همایش ایران و سیاست جهانی در آغاز قرن بیستم، تهران: خانه کتاب
- ۵- تهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی ( ۱۳۷۹ ):تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، با مقدمه: ناصر کاتوزیان، تهران: سهامی انتشار .
- ۶- حسن نیا و دیگران(۱۳۸۷):قرارداد ۱۹۰۷ به روایت اسناد وزارت امور خارجه ایران، خانه کتاب،
- ۷- خان ملک ساسانی، احمد( ۱۳۵۴ ):دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، تهران: بابک
- ۸- روزول پالمر، رابرت ( ۱۳۴۰ ):تاریخ جهان نو، ج ۲ ، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، تهران: امیرکبیر
- ۹- سپهر، مورخ الدوله ( ۱۳۴۱ ):مقالات سیاسی، به کوشش: احمد سمیعی، تهران: عطایی .
- ۱۰- شوازی، علی عباس (۱۳۸۷):.رابطه جغرافیا و امنیت با تاکید بر نقش و کار ویژه نیروی انتظامی
- ۱۱- ططری، علی و محمد حسن نیا ( ۱۳۸۷-۱۳۸۸ ):قرارداد ۱۹۰۷م. به روایت اسناد وزارت امور خارجه ایران، ج ۱ و ۲ ، تهران: خانه کتاب .
- ۱۲- کاظم زاده، فیروز ( ۱۳۵۴ ):روس و انگلیس در ایران ( ۱۹۱۴ -۱۸۶۴م.)، ترجمه : منوچهر امیری، تهران: جیبی .
- ۱۳- کرزن، لرد جورج ناتانیل کرزن ۱۳۵۰: ایران وقضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران

- ۱۴- مجد، محمدقلی (۱۳۸۷): قحطی بزرگ، ترجمه محمد کریمی، تهران. مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، دره میرحیدرو راستی، عمران ۱۳۹۱. رقابتهای ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر ضلع جنوب شرقی ایران بزرگ و عملکرد حکومت قاجار، پژوهش های جغرافیای انسانی، ش ۸۰، تابستان ۱۵- محمود، محمود (۱۳۶۲): تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، ج ۸، تهران: اقبال، ناظم، حسین (۱۳۸۰): روس و انگلیس در ایران، ترجمه: فرامرز محمدپور، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۱۶- وحید مازندرانی، ع (۱۳۲۸) (قرارداد ۱۹۰۷م. روس و انگلیس راجع به ایران، تهران: کتابخانه سقراط .
- ۱۷- آرشیو وزارت امور خارجه، گزارش سفارت ایران در لندن ۶ محرم ۱۳۲۶
- ۱۸- روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی، ۱۳۲۵: ۳۳۲-۳۳۵
- ۱۹- صورت مذاکرات مجلس، ۱۳۲۴ه.ق، : ۳۴۰ و ۳۴۱
- ۲۰- جبل المتین، ۱۳۲۵ه.ق، ش ۱۳۴